

China

North Korea

Sea of Japan

Pyongyang

South Korea



## کره شمالی؛ بیم‌ها و امیدها

ترجمه: سیلا زمانی  
منبع: هرالڈ تریبون/ژوئییه ۲۰۰۷

سال هفدهم/شماره ۱۹/مهر ۱۳۸۶

۵۶ گزارش

نزد که همین امر بسیاری از متخصصان را بر آن داشت تا باور کنند کره اساساً فاقد بمب هسته‌ای است. در اکتبر ۲۰۰۶، کره اعلام کرد به دلیل تهدیدات روزافزون از سوی آمریکا، دست به آزمایش بمب اتمی می‌زند تا تردیدها را از بین ببرد. به همین دلیل، در ۹ اکتبر ۲۰۰۶، کره با موفقیت بمب اتمی خود را آزمایش کرد. در پاسخ به خروج کره از معاهده "ان پی تی" و آزمایش هسته‌ای این کشور، آمریکا دارایی‌های بانکی این کشور را مسدود کرد. این اقدام آمریکا منجر به تعویق ۱۳ ماهه مذاکرات شش جانبه تا اواسط دسامبر ۲۰۰۶ شد. سومین و در واقع آخرین مرحله از دور پنجم مذاکرات شش جانبه در ۸ فوریه ۲۰۰۷ برگزار و در نهایت به آزادی دارایی‌های بانکی کره شمالی، تعطیلی سایت‌های هسته‌ای و دیدار بازرسان آژانس از این کشور منجر شد.

با این که به نظر می‌آید کره شمالی این بازی را به آمریکا باخته است، اما باید اذعان داشت که این بازی اصولاً برنده و بازنده‌ای نداشته است؛ چرا که هر یک از کشورها به آن چیزی که در نظر داشته با روش خود، رسیده است.

با این حال، ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که با توجه به آن که کشورهای توسعه نیافته از نظر فقر، عدم توسعه یافتگی و فساد سیاسی رنج می‌برند، اما رهبریت "کیم ایل سونگ" که از او همواره به عنوان یک رهبر بزرگ یاد می‌کنند با ایده خودکفایی در اداره کشور توانست با حمایت چین و شوروی سابق، اقتصاد کره شمالی را به یک اقتصاد صنعتی و در حال رشد تبدیل کند. با این وجود، اقتصاد این کشور در دهه ۱۹۹۰، دچار بحران‌های متعدد شد و از پیشرفت بازماند.

کیم جونگ ایل، "فرزند کیم ایل سونگ" در اواخر

که هیچ یک از توافقات پیشین به راه حلی مطلوب منجر نشد.

در سال ۲۰۰۲، آمریکا کره شمالی را متهم ساخت که در صدد دستیابی به سلاح هسته‌ای است، اما این کشور اتهام مذکور را رد کرد و مدعی شد به واسطه ماده X معاهده "ان پی تی" مجاز به اجرای برنامه هسته‌ای است. هر چند کره شمالی عضو "ان پی تی" و چند معاهده و سازمان بین‌المللی بود، اما در دهم ژانویه ۲۰۰۳ اعلام کرد که از این معاهده خارج می‌شود و از آوریل همان سال از این معاهده خارج شد.

پس از فشارهای بسیار به این کشور برای انجام مذاکرات دو جانبه با آمریکا، کره شمالی تنها به مذاکرات شش جانبه میان خود، آمریکا، کره جنوبی، چین، روسیه و ژاپن در اوت ۲۰۰۳ موافقت کرد. این مذاکرات دو سال ادامه یافت تا این که در ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۵ به توافق دیگری دست یافتند که این توافق با آزمایش هسته‌ای کره شمالی در اکتبر ۲۰۰۶ با تنش‌های شدیدی همراه شد.

از آن زمان تاکنون، به توافق مشابه دیگری در ۱۳ فوریه ۲۰۰۷ رسیدند که متضمن عادی‌سازی روابط دیپلماتیک میان کره شمالی- آمریکا و کره شمالی- ژاپن شد، البته به این شرط که کره شمالی تسهیلات هسته‌ای "یونگ بیون" را تعطیل سازد. با اعلام خروج کره از معاهده "ان پی تی"، همسایگان این کشور بلافاصله برای حل موضوع به راه حل‌های دیپلماتیک متوسل شدند. همین امر منجر به مجموعه دیدارهایی شد که به صورت دوره‌ای و از سال ۲۰۰۳ در پکن آغاز و به "مذاکرات شش جانبه" معروف شد.

کره در فوریه ۲۰۰۵، مدعی دارا بودن بمب اتمی شد. تا قبل از این زمان، کره دست به آزمایش هسته‌ای

شاید به جرات بتوان گفت که کره شمالی پس از ایران، دومین کشوری است که به واسطه برنامه‌های هسته‌ای‌اش و چالش به وجود آمده میان این کشور و آمریکا، مورد انتقاد سازمان‌های بین‌المللی و همسایگان دور و نزدیکش قرار گرفته است. با این حساب، پری‌راه نیست که در خصوص این کشوری که بسیاری از مورخان به واسطه انزوای سیاسی‌اش، آن را "تاریک" می‌خوانند، گاه شمار هسته‌ای داشته باشیم.

از اواخر دهه ۱۹۸۰، برنامه هسته‌ای کره شمالی در صدر مسایل بین‌المللی قرار گرفت. برنامه هسته‌ای کره شمالی با کمک شوروی در دهه ۱۹۸۰ به این شرط آغاز شد که کره به معاهده منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای بپیوندد. بر همین اساس، شوروی ابتدا به ساکن یک راکتور ۵ مگاواتی در شهر "یونگ بیون" تأسیس و سپس قرارداد ساخت راکتور ۵۰ مگاواتی دیگری میان طرفین به بحث گذاشته شد.

در دهه ۱۹۹۰ نگرانی در خصوص برنامه هسته‌ای کره شمالی به موضوع محوری در روابط کره شمالی- جنوبی و کره- آمریکا تبدیل شد. در ۳۰ ژانویه ۱۹۹۲، کره شمالی توافق امنیت هسته‌ای را با سازمان بین‌المللی انرژی اتمی امضا کرد. وضعیت زمانی بدتر شد که در ژانویه ۱۹۹۳ یعنی درست یک سال بعد از امضای این توافق‌نامه، کره شمالی اجازه نداد بازرسان آژانس به دو سایت هسته‌ای مظنون این کشور دسترسی پیدا کنند و به دنبال آن در مارس ۱۹۹۳ تهدید به خروج از معاهده "ان پی تی" کرد.

بدین ترتیب، طی چند سال گذشته، مذاکراتی دایمی میان آمریکا و کره شمالی برگزار شد که منجر به توافقاتی چند بر سر موضوع هسته‌ای این کشور گردید؛ هر چند

حکومت پدر رفته رفته تلاش کرد تا زمام امور را به دست گیرد و در سال ۱۹۹۴ پس از مرگ پدر جانشین وی شد. وی از نامیدن خود به عنوان رییس جمهوری کره شمالی اجتناب ورزید و در یک حيله سياسى و تبليغى، "كيم ايل سونگ" را رييس جمهورى جاودانه کره شمالى خواند. با اين حال و با توجه به شرايط سياسى حاکم بر کره شمالى، اکنون حاکميت نشان داده است که با در نظر گرفتن تاثيرگذارى تسليحاتى که از آن برخوردار است و در سويى ديگر آسيب پذيرى اقتصادى، مذاکره با دشمن ايدئولوژيک خود را منطقي ترين و عقلانى ترين گزينه يافته است؛ هرچند که بسيارى از کارشناسان سياسى، سقوط سيستم حاکم بر کره شمالى در آينده را گزين ناپذير مى دانند، اما در عين حال، رهبران اين کشور با محاسبات عقلانى، بقاى کوتاه مدت خود را تضمين کرده اند. پس، اکنون مذاکره تنها گزينه معقول برای اين کشور است. کره شمالى نيز ضرورت حضور در پای ميز مذاکره را احساس کرده است. زيرا به محدوديت هاى داخلى و الزامات برآمده از اين محدوديت ها آگاهى دارد. در واقع، کره شمالى برای تامين سوخت و آذوقه مردم، نياز مبرمى به محيط خارجى دارد. سيستم اقتصادى اين کشور يکى از ناکارآمدترين اقتصادهاست و به همين روى عملکرد آن تقريبا در پايين ترين حد استانداردهاى جهانى است. شايد بهتر باشد بگويم رژيمى که ظرفيت اصلاحات بيشتر اقتصادى را بنا به هر دليل ندارد، برای بقا بايد کمک هاى خارجى در هر زمينه را تضمين کند. در حقيقت، اين نياز اقتصادى است که مذاکره با آمريکا را برای کره شمالى ضرورى ساخته است. کاهش فشار نظامى و سياسى آمريکا در کنار دستيابى به مواد غذايى و سوخت مورد نياز با تکيه بر کمک هاى بين المللى، با توجه به ظرفيت هاى کره شمالى، بازتاب رفتار عقلانى رهبران اين کشور است که مى تواند ضامن بقاى بيشتر حکومت باشد.

کره شمالى ابائى از مذاکره کردن از خود نشان نداده است و اين عمل به وضوح نشان داده که اين کشور و سردمداران آن خواهان حداکثر هستند، چرا که به محدوديت هاى آمريکا در اعمال مستقيم قدرت نظامى وقوف دارند. در حقيقت، از آن جاى که کره شمالى به طور غير رسمى از حمايت چين بهره مند است، گزينه هاى عملياتى آمريکا برای تحت فشار قرار دادن اين کشور بسيار محدود هستند.

اين در حالى است که همگان مى دانند بدون همکارى چين، روسيه و اتحاديه اروپا، مخالفت ها و تهديد هاى آمريکا عليه کره شمالى نيمى تواند اثر چندانى داشته باشد. اما از سويى ديگر، کشورهاى چين، روسيه و اتحاديه اروپا، همکارى با آمريکا در زمينه بحران هسته اى کره شمالى را برای خود يک ضرورت مى پندارند. چين برای جلوگيرى از روى آوردن ژاپن به نظامى گرى و

استفاده از تکنولوژى تسليحات هسته اى، ترجيح مى دهد با آمريکا و حتى متحدان کم زبان تر اين کشور در منطقه بسازد. بدین ترتيب، چين برای رفع بحران هسته اى کره شمالى در نهايت با آمريکا همکارى خواهد کرد، همانگونه که اين کار را با ايران نيز کرد.

از طرف ديگر، روسيه نيز برای جلوگيرى از احياى نظامى گرى در ژاپن و تهديدى که اين تحول برای منافع اين کشور در خاور دور دارد، ترجيح مى دهد با چين و آمريکا برای حل بحران اتحاديه اروپا، هرچند که جزو کشورهاى مذاکره کننده نيست، اما به عنوان يک نيروى بين المللى، همراه و همگام شود.

با اين حال، نيمى توان اين نکته را از نظر دور داشت که کره شمالى به رغم تمامى سياست بازى سياستمداران خود، در سياست خارجى خود و تعامل با ديگر کشورها به ويژه تعامل با همسايگان نزديک خود، ناکام مانده است. شايد يکى از بزرگترين ضربه ها را در اين ميان، کره شمالى در سال هاى دهه ۹۰ خود؛ سال هاى که فروپاشى اتحاد جماهير شوروى در آستانه آن رقم خورد و بدین ترتيب، اين کشور بزرگترين متحد خود در عرصه بين المللى و منطقه اى را از دست داد. از سويى ديگر چين نيز که ديگر متحد منطقه اى و همسايه نزديک کره شمالى بود، با عاى سازى روابط خود با کره جنوبى

امتياز و تضمين امنيتى بگيرد که کم و بيش در اين کار موفق نيز گرديد.

اکنون با توجه به مسايل بيان شده در بالا، مى توان گفت که به احتمال زياد کره شمالى در زمينه تسليحات هسته اى، راه لیبى را طى مى کند که بر نامه هاى هسته اى خود را چند سال قبل کنار گذاشت. در صورتى که بحران هسته اى کره شمالى بدین ترتيب حل شود، چيني ها، روس ها و اروپايان مى توانند به آمريکايى ها نشان دهند که همراهى و همگامى قدرت هاى بزرگ و نه ضديت آنها با يکديگر در حل و رفع يک بحران جدى بين المللى، نقشى تعيين کننده داشته است... و اين مى تواند آغاز گر راهى نوين در چالش هاى بين المللى با ارايه راه حل هاى چند جانبه گرايى باشد.

به هر حال، مقامات پيونگ يانگ بايد به خوبى نسبت به اين نکته آگاه باشند که هر چند ممکن است آتش تنش و بحران در روابط کره شمالى با همسايگان به واسطه اتخاذ راه حل هاى چند جانبه گرايى فروبنشينند، اما چنانچه نخواهند در نوع نگرش خود در روابط سياسى با ديگر کشورها تجديد نظر کنند، آتش بر جاى مانده در زير خاکستر هر لحظه امکان شعله ور شدن را خواهد داشت.

در سال ۱۹۹۲، تلاش کرد تا سياست متوازنى را در روابط با دو کره به اجرا بگذارد.

بدین ترتيب، تمامى اين عوامل دست به دست هم داده و منجر به آن شد تا کره تمام هم و غم خود را صرف ساخت سلاح هاى هسته اى کرده و جنجال بزرگ هسته اى را با آمريکا آغاز کند. در طول مذاکرات شش جانبه که با فراز و فرودهاى بسيار همراه بود، با توجه به متوازن شدن سياست منطقه اى پکن و مسکو نسبت به دو کره، کره شمالى دريافت که حمايت قطعى اين دو کشور را از دست داده و بر اين مبنا سعى کرد تا با استفاده از تنها ابزار بر جاى مانده از زمان جنگ سرد و به عنوان چهارمين ارتش دنيا بتواند از آمريکا و همسايگان نزديک خود،

## شرکت توليدى و مهندسى

# حوارت گستر

داراى پروانه کاربرد علامت استاندارد شماره ۵۷۷۹

داراى بايبله قلم ساخت دىک بخار و آب داغ از ۲۵۷ لىتر

<b>توليد کننده :</b>	
دېک بخار	دېک آب داغ و آب گرم
دېک آب داغ	دېک آب داغ
دېک آب داغ	دېک آب داغ
دېک آب داغ	دېک آب داغ
دېک آب داغ	دېک آب داغ
دېک آب داغ	دېک آب داغ
دېک آب داغ	دېک آب داغ
دېک آب داغ	دېک آب داغ
دېک آب داغ	دېک آب داغ

تهران : خيابان طالقانى شرقى ، شماره ۵۴۴ ، صندوق پستى : ۵۲۷۱ - ۱۵۸۷۵  
 تلفن : ۷۷۶۰۵۸۹۳ - ۷۷۶۰۵۸۸۹ ، فاكس : ۷۷۶۰۴۵۳۱